

The Role of Jurisprudential Liability Foundations, Philosophical Teachings, and Rational Deductions with a Victim-Centered Approach in the Recognition of Iran's Legislative Criminal Policy

1. Meysam Yaqoubipour: PhD Student of Criminal Law and Criminology, Department of Law, Raf.C., Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran
2. Mohammad Mahdi Anjum Shua*: Assistant Professor, Department of Law, Raf.C., Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran. Email: mmanjom@yahoo.com (Corresponding Author)
3. Majid Shabani Hamid Abadi: Assistant Professor, Department of Law, Raf.C., Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran

ABSTRACT

The protection of the victimized complainant is the cornerstone of supportive (proactive) victimology. As one of the principal actors in the criminal justice system, the victim can play a crucial role in the crime control process. The present study aims to examine and analyze the desirability, applicability, and effectiveness of jurisprudentially foundational principles, rational deductions, and normatively ethical and philosophically driven principles, as well as the extent to which these foundations are accepted in guaranteeing victims' rights and their prominent supportive manifestations in preventing victimization within the framework of a victim-centered criminal policy. Additionally, the study seeks to elucidate the structural dimensions of these influences, their coordination, and the model that can be presented for these interconnections. The findings of this study, which employs a comparative and analytical approach using a descriptive-analytical method and library-based data collection tools, indicate that the ultimate goal is to institutionalize a general inclination toward the implementation of new legal rules and institutions, ensuring they do not become obsolete due to minimal negligence. Therefore, identifying the jurisprudential, religious, and ethical foundations of laws, comparing and aligning them, and drawing inspiration from restorative justice principles facilitate the swift and widely accepted implementation of such measures in the criminal process. This also serves as a basis for novel jurisprudential reasoning in addressing real-life incidents, ensuring support for victims in accordance with justice. Accordingly, the role of the dynamic elements of jurisprudence, which are developed based on scholarly research and juristic rulings—including independent rational principles (al-mustaqqilat al-'aqliyyah), the broad applicability of the "no harm" rule (lā ḍarar), and other victim-centered jurisprudential principles—demonstrates the prominence and robustness of Islamic jurisprudence and ethical rules in the realm of victim-centeredness and Islamic victimology. This approach underscores the significance of religious and legal frameworks in safeguarding the interests of victims, possessing the necessary capacity to uphold rights and to adjust, transform, and eliminate the cycle of repeated victimization. Such an approach is essential for achieving transformative and successful outcomes. The recent approach of Iran's criminal laws, due to contemporary exigencies, entails effective and substantial protective capacities for victims. The acceptance of this novel understanding has resulted in the realization of rights, the acquisition of opportunities, and the introduction of new lenient criminal institutions, which have been reflected in the enhanced role and participation of victims in criminal proceedings and their protection within the current Iranian criminal law framework. This shift, influenced by a paradigmatic change in perspective, presents an improved legal framework compared to previous laws. In light of independent rational judgment, what is embraced by the legal system should be preserved and reinforced, thereby manifesting the progressive transformation and approach of a sagacious legislator.

Keywords: *victim, protection, jurisprudential foundations, rational evidence, philosophical thought, criminal policy*

How to cite: Yaqoubipour, M., Anjum Shua, M. M., & Shabani Hamid Abadi, M. (2025). The Role of Jurisprudential Liability Foundations, Philosophical Teachings, and Rational Deductions with a Victim-Centered Approach in the Recognition of Iran's Legislative Criminal Policy. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(2), 178-197.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 16 September 2024
Revise Date: 13 October 2024
Accept Date: 27 October 2024
Publish Date: 26 July 2025



مدخلیت بنیان‌های ضمان آور فقهی، آموزه‌های فلسفی و استدراکات عقلی با رویکرد بزه دیده محوری در بازشناسی سیاست جنایی تقنینی ایران

۱. میثم یعقوبی پور: دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران

۲. محمد مهدی انجم شعاع*: استادیار، گروه حقوق، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران. پست الکترونیک:

mmanjom@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۳. مجید شعبانی حمید آبادی: استادیار، گروه حقوق، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران

چکیده

حمایت از شاکی بزه دیده، رکن رکین بزه دیده‌شناسی حمایتی (کنشی) است. بزه دیده به عنوان أحد از کنشگران اصلی در نظام عدالت جنایی می‌تواند نقش مهمی در فرآیند مبارزه با جرم ایفا نماید. هدف از پژوهش حاضر، بررسی و تحلیل مطلوبیت کاربری و تأثیرگذاری بنیان‌های فقهی قوام بخش، استدراکات عقلیه و مبانی فلسفه محور و هنجارمند اخلاقی و میزان مقبولیت این بنیان‌ها در تضمین حقوق بزه دیده و مصادیق بارز حمایتی آن در پیشگیری از بزه دیدگی در پهنه سیاست جنایی بزه دیده محور و اینکه ابعاد ساختاری این تأثیرگذاری و هماهنگی و الگوی قابل ارائه این پیوندها چگونه قابل تبیین است. یافته‌های این پژوهش که با نگاهی مقارنه‌ای و تطبیقی و با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است؛ نمایانگر این است که غایت مطلوب این است که رغبت عمومی به اجرای قواعد و تأسیسات حقوقی جدید نهادینه شود و با اندک ملاحظه مهجور نماند. لذا یافتن پایه‌های فقهی، مذهبی و اخلاقی قوانین و تطبیق و مقارنه آن‌ها و الگو برداری از آموزه‌های عدالت ترمیمی به این موضوع در چرخه فرآیند کیفری، به اجرای سریع و عامه پسند آن مواسات نموده و یاری رسان و بستر ساز اجتهادهای بدیع نسبت به رخدادهای عینی در حمایت از قربانیان و موافق عدالت، مفروض پنداشته می‌شود. از اینرو نقش عوامل پویایی فقه که بر مبنای تحقیق و فتاوی فقیهان تدوین شده است و از جمله مستقلات عقلیه و گستره شمول قاعده لا ضرر و سایر قواعد فقهی بزه دیده مدار و بنای عقلا و وسعت حقانیت هنجارمندی اخلاقی اجتماع، نمایان گر تقدم و توانگری فقه قویم اسلامی و قواعد اخلاقی به مقوله بزه دیده مداری و دیدگاه‌های بزه دیده‌شناسی اسلامی است. به نهجی که زمینه‌های اعتقادی و حقوقی، پیش‌آهنگ و تعیین کننده حفظ مصالح و منافع بزه دیدگان و از استعداد لازم جهت تثبیت حقوق و تعدیل، استحاله و دگرگون نمودن زنجیره بزه دیدگی مکرر برخوردار و جهت نیل به مقصود تحول آفرین و موفق خواهد بود. رویکرد جدید قوانین کیفری ایران، به جهت اقتضائات عصر حاضر، متضمن ظرفیت‌های حمایتی موثر و قابل اعتناء به بزه دیدگان است به نهجی که برآیند پذیرش این درک نو، تحصیل حقوق، اکتساب فرصت‌ها و تأسیسات کیفری ارفاق آمیز جدید بوده که با افزایش نقش و سهم بزه دیده در دادرسی کیفری و حمایت از وی در وضعیت کنونی حقوق کیفری ایران متجلی و جلوه گر است. این مهم با تغییر بیش پارادایمی با شرایط ایده آل تری نسبت به قوانین سابق رقم خورده و به حکم عقل مستقل، آنچه را کالبد نظام حقوقی می‌پذیرد بایستی در خود نگاه دارد و از آن یارا بگیرد مبنی تحول و رویکرد مترقی قانون گذار حکیم است.

واژگان کلیدی: بزه دیده، حمایت، مبانی فقهی، دلیل عقل، اندیشه فلسفی، سیاست جنایی.

نحوه استناددهی: یعقوبی پور، میثم، انجم شعاع، محمد مهدی، و شعبانی حمید آبادی، مجید. (۱۴۰۴). مدخلیت بنیان‌های ضمان آور فقهی، آموزه‌های فلسفی و استدراکات عقلی با رویکرد بزه دیده محوری در بازشناسی سیاست جنایی تقنینی ایران. *پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست*، ۷(۲)، ۱۷۸-۱۹۷.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۶ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۲ مهر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۶ آبان ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۴ مرداد ۱۴۰۴

مقدمه

آنچه در ادبیات موجود در زمینه بزه دیده مشاهده می‌شود، نشان‌دهنده دو رویکرد متفاوت است؛ یکی مفهوم اولیه و جرم‌شناسی (بزه دیده‌شناسی اولیه) که بیشتر به نقش بزه دیده در ارتکاب جرم می‌پردازد و در حوزه علت‌شناسی جنایی قرار دارد، و دیگری مفهوم ثانویه یا بزه دیده‌شناسی اجتماعی (ایدئولوژیک-سیاسی) که مبتنی بر اندیشه حمایت‌های گوناگون - اعم از مادی، جسمانی، روانی، عاطفی و پزشکی - از بزه‌دیدگان مستقیم یا غیرمستقیم جرایم، تعدیل وضعیت بزه دیدگی و تثبیت حقوق و منافع ایشان است. رویکرد اندیشمندان در این دوره بر ایجاد گرایش جدید از بزه دیده تحت عنوان «بزه دیده‌شناسی حمایتی» (protective victimology) است که در حوزه مطالعات سیاست جنایی مطرح شده و به آن سیاست جنایی بزه دیده‌مدار گفته می‌شود (Abdian & Elham, 2023).

حمایت از بزه‌دیدگان نیازمند جایگاهی ویژه و مستقل در تدوین برنامه‌های نظری و راهبردی سیاست جنایی است و لازمه آن پیش‌بینی طرح جامع حمایت از بزه‌دیدگان می‌باشد؛ چنین طرحی باید زمینه حمایت مطلوب از کلیه بزه‌دیدگان را فراهم ساخته و با پیش‌بینی تدابیر حمایتی ویژه یا افتراقی در مورد بزه‌دیدگان خاص، به یک سیاست جنایی بزه دیده‌مدار جامه عمل بپوشاند (Abu Zari & Sahrai, 2021). بزه دیده‌شناسی باعث شده است که از منظر سیاست جنایی، مسأله ترمیم خسارات وارده به بزه‌دیدگان یا خسارت‌زدایی از آن‌ها مورد توجه قانونگذاران قرار گیرد؛ امروزه این مسأله حتی شامل موارد جبران خسارت از قربانیان بازداشت‌های موقت ناموجه یا اشتباهات قضایی نیز شده است. بدین ترتیب، بزه دیده‌شناسی در قلمرو وسیعی از جرم‌شناسی مطرح می‌شود (Afzali et al., 2021).

در این میان، مشارکت مدنی نقش بسزایی در پیشگیری از بزه دیدگی ثانویه، ترمیم آلام و صدمات وارده بر بزه دیده و تغییر موقعیت ایشان ایفا می‌کند. به دلالت الزام وظایف بنیادی ضابطین قضایی در پیشگیری از بزه دیدگی مکرر - که عملاً نوعی پیشگیری از جرم محسوب می‌شود - با واکاوی عوامل بزه دیدگی و به‌کارگیری فنون پیشگیری جرم‌شناسی بزه دیده‌مدار، اقدام به موقع از بزه دیدگی مکرر این قشر، می‌توان به تأثیرگذاری عملی دست یافت. اصل حمایت از بزه دیده در تمامی جوانب، رکن اساسی این نوع بزه دیده‌شناسی محسوب می‌شود. نظریه مذکور عموماً بر جبران خسارت بزه دیده متمرکز است؛ به‌طوری که جبران خسارت در وهله اول توسط شخص بزه‌کار صورت می‌گیرد و قواعد کلی ضمان قهری و ضمان قراردادی در حقوق مدنی، رابطه خسارت زنده و زیان‌دیده و کلیه اصول جبران خسارت در این مدل قابل بررسی است. مفاهیمی نظیر غصب، اتلاف، تسبیب، استیفا در کنار قاعده «لا ضرر» و «بنیان عقلی» توجیه‌کننده جبران خسارت و عدالت ترمیمی و بزه دیده‌شناسی ثانویه محسوب می‌شوند (Aghai, 2018).

در باب مجازات‌های اسلامی، مفاهیمی همچون «مجازات باید با جرم تناسب داشته باشد»، «جزاء سیئه بمثلها (یونس، ۲۷)» و «من عمل سیئه فلا یجزی الا مثلها (غافر ۴۰)» مطرح است. اساساً در مقام مجازات باید «اخذ بنقیض مطلوب» مد نظر قرار گیرد؛ به این معنا که عقوبت باید خواسته‌ای را به دست آورد که تصویر معکوس مطلوب بزه‌کار را در برابر او قرار دهد و به جای بهره‌مندی و لذت از ارتکاب جنایت، درد و رنج نصیب او گردد. چنین مجازاتی علاوه بر بازدارندگی، می‌تواند کفاره گناه نیز به‌شمار آید؛ زیرا عقوبت نه به منظور تشفی و نه به منظور انتقام، بلکه به منظور پاک نگه‌داشتن جامعه و تادیب و تربیت به‌شمار می‌آید که هدف اصلی آن پاکسازی آلودگان و جلوگیری از آلودگی دیگران است (Ahmadi, 2021).

توجه به حقوق بزه دیده در کنار حقوق متهم همواره مورد توجه اسلام بوده و استفاده از دستاوردهای علمی در تعیین مصادیق این صیانت در راستای اهداف عالی اسلام نیز مورد استناد قرار می‌گیرد. بر این اساس، توجه به بزه دیده و حقوق وی به عنوان متضرر واقعی و ملموس

بسیاری از جرایم و میزان توجه قانون‌گذار به تأمین حقوق وی و رعایت شأن و کرامت انسانی، از موارد بنیادی در فرایندهای کیفری است؛ هرچند رعایت کرامت انسانی متهم نقض نمی‌شود، اما پیشگیری از اعمال حق افراد از طریق انتقام شخصی امکان‌پذیر نخواهد بود (Akhtar & Mozenzadegan, 2019).

اینکه آیا سیاست جنایی بر اساس رویکرد طردی و ترذیلی حرکت کند یا باید در عین حفظ کرامت انسان‌های جامعه، آنان را جامعه‌پذیر ساخت، می‌تواند جهت‌گیری سیاست جنایی را بر مبنای انسان‌شناسی معین کند. بی‌توجهی به این مبانی منجر به سیاست‌های ناکارآمدی می‌شود که در نهایت منجر به صدها اعدام سالانه و زندانی شدن چندصد هزار نفر می‌گردد (Bagheri et al., 2023).

با مطالعه ساختار و محتوای سیاست جنایی اسلام، می‌توان ویژگی‌هایی همچون خدامحوری، ارزش‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، رشد‌مداری، حق‌محوری و توجه به بزه دیده را برشمرد. به ضمیمه این ویژگی‌ها، کارکردهای عدالت توافقی در سیاست جنایی اسلام شامل:

- کارکرد تربیتی (اصلاح و تربیت بزه‌کار)،
- کارکرد تعادلی (توازن میان حقوق بزه دیده جامعه و بزه‌کار)،
- کارکرد ارزشی (حفظ ارزش‌های اخلاقی و کرامت انسانی)
- و کارکرد بزه پوشی (پرهیز از اشاعه گناه و جرم در جامعه)

می‌باشند که نقش کارکرد اخیر در جلوگیری از هنجارشکنی به دلیل عدم کشف جرایم و مخفی نگه‌داشتن آن‌ها به‌شمار می‌آید (Barzegarzadeh et al., 2015).

فقه اسلامی در راستای سیاست بزه دیده‌مداری و جبران خسارت از بزه دیده، سعی در خسارت‌زدایی از بزه دیده به شیوه‌های مختلف دارد؛ به گونه‌ای که حتی در صورت ناتوانی دولت در پرداخت غرامت، وظیفه بیت‌المال به عنوان هم‌راه دولت، موظف به جبران خسارت خواهد بود. این رویکرد به درستی جایگاه بزه دیده‌مداری را در فقه نشان می‌دهد (Danesh Ara & Kazemi, 2022).

قانونگذار ایران در تبعیت از فقه، سعی دارد فقه امامیه را نصب‌العین خود قرار دهد. اهتمام جدی اسلام به حفظ نظام جامعه اسلامی و برپایی امنیت، عدالت و حمایت از ارکان و مصالح عام – مانند دین، عقل و نظم عمومی – موجب شده است که جبران خسارت، تشفی خاطر و تأمین مصلحت جامعه از جمله وظایف مهم تلقی شود (Davari, 2019).

ارتباط دو فاکتور اصلی قانونگذاری جزایی، یعنی عقلانیت و مصلحت با امنیت قضایی، به قدری مستحکم است که عدم توجه به خردورزی و مصلحت‌سنجی در وضع قانون می‌تواند تهدیدی جدی برای امنیت قضایی شهروندان محسوب گردد (Ehsanpour & Haqiqi, 2021).

حقوق کیفری ایران پس از انقلاب، اساساً دارای ریشه در شرع است؛ شرع نیز با دانش فقهی که از شیخ مفید(ره) و شیخ طوسی(ره) – بیش از هزار سال پیش – استوار شده، دارای بایدها و نبایدهایی است. این امر تغییر و انحلال نگرش‌های مدرن را در قالب حکم ثانوی یا حکم حکومتی توجیه می‌کند. شاید راز پویایی فقه شیعه در انعطاف‌پذیری گفتمان فقهی و تطبیق آن با شرایط اجتماعی متغیر نهفته باشد. همانگونه که مجازات قصاص به نحوی تعبیه شده که اجرای آن بسته به گرایش‌های سنتی یا تجدیدطلبانه جامعه متفاوت است، ممکن است روزی جامعه عاری از قصاص شود در حالی که قانون به درستی اجرا گردد و حکم الهی نیز رعایت شود (Fallahi et al., 2019).

نظام عدالت کیفری ایران و مبانی شرعی آن از ظرفیت‌های ترمیمی بالقوه بالایی برخوردار است که امکان بهره‌گیری از اندیشه‌ها و فرایندهای عدالت ترمیمی را فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، به دلیل تخصصی و فنی بودن هدایت فرایندهای عدالت ترمیمی، تحول در سیاست جنایی

تقنینی و تغییر در سیاست جنایی اجرایی و قضایی اجتناب‌ناپذیر است (Farahmand, 2017)؛ به علاوه، این تحول از تلاش‌های مستمر فقه و اجتهاد در راستای عدالت ترمیمی حمایت می‌شود (Gholami, 2019).

ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ برای اولین بار به استفاده از واژه «بزه دیده» پرداخته و آن را به شرح زیر تعریف کرده است: بزه دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد. مواد متعددی از این قانون به حقوق بزه دیده در مراحل مختلف فرایند عدالت کیفری اختصاص یافته و گفتمان جدیدی را در حوزه سیاست جنایی ایجاد نموده است. در این خصوص، مواد ۱۳، ۳۷، ۳۸، ۴۴، ۴۵، ۶۲، ۶۶ و ۴۸۳ و ... حقوقی برای بزه‌دیدگان در مراحل مختلف دادرسی در نظر گرفته شده است. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز تحولات مهمی را در خصوص حقوق بزه دیده ایجاد کرده است؛ از جمله می‌توان به مواد ۳۸، ۴۰، ۴۶، ۵۱، ۵۷، ۵۸، ۱۰۰، ۹۸، ۱۰۷، ۱۱۳، ۱۱۴، ۲۵۵، ۲۶۸، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۶۵ و ۴۱۸ و ... اشاره کرد (Ehsanpour & Haqiqi, 2021).

وجه تباین بزه دیدگی قربانیان جرایم اشخاص حقوقی با قربانیان جرایم اشخاص حقیقی، شامل تفاوت‌هایی از قبیل تعداد بزه‌دیدگان، نوع بزه دیدگی و راه‌های بزه دیدگی است. برای نمونه، جرایم مرتبط با محیط زیست که توسط اشخاص حقوقی تحقق می‌یابد؛ چرا که در اثر فعالیت‌های صنعتی مانند کارخانه‌ها، افرادی که در مجاورت این واحدها زندگی یا کار می‌کنند، ممکن است دچار بیماری‌های تنفسی یا انواع سرطان‌ها شوند. تفاوت مهم دیگر، موانع و چالش‌هایی است که بزه‌دیدگان جرایم اشخاص حقوقی در فرایند دادرسی کیفری با آن مواجه‌اند (Gol Sanam Lo et al., 2023).

در باب کاربست بنیان‌های فقهی قوام‌بخش، استدراکات عقلی و مبانی فلسفه‌محور و هنجارمند اخلاقی در حمایت از بزه‌دیدگان و پیشگیری از بزه دیدگی در پهنه سیاست جنایی بزه دیده‌مدار، پرسشی مطرح شده است که چگونه ابعاد ساختاری این تأثیرگذاری و همگرایی و الگوی قابل ارائه این پیوندها از حیث مصادیق و آثار مترتب تبیین شود. این موضوع بیانگر این است که قواعد اخلاقی و مذهبی مبنای توجیه‌کننده این امر است؛ زیرا هیچکس نباید به دیگری زیان برساند و هیچ ضرری نباید بدون جبران باقی بماند (Gurji, 1994).

در مباحث مربوط به اضطراب و خسارت معنوی، شخصیت زیان‌دیده و رابطه او با عامل زیان در نظر گرفته می‌شود تا مشخص شود آیا کار زیانبار از نظر عرف تقصیر محسوب می‌شود یا باید آن را مباح دانست؛ مهم‌ترین معیار در این میان، اخلاق عمومی است (Haji Dehabadi & Baharloui, 2015).

در ادامه، (آقای، ۱۴۰۰: ۲۳) (Hakimiha & Koulai, 2022) بیان می‌کند که جرم‌انگاری رفتارها باید بر مبنای ارزش‌های مورد پذیرش جامعه صورت گیرد. نظام حقوق کیفری ایران، که بر اصول و مبانی فقه امامیه استوار است، همزمان با نگرش بزه دیده‌مدار عدالت ترمیمی و اجتهاد مستمر فقهی، چارچوبی نوین پیرامون حمایت از حقوق بزه دیده ارائه داده است؛ امری که نشان‌دهنده بهره‌مندی از مبانی قوی فقهی، دلایل عقلانی و هنجارهای اخلاقی در پذیرش و انقیاد افراد نسبت به هنجارهای قانونی است. با این وجود، کاستی‌هایی در این عرصه وجود دارد که مستلزم تعیین راهبردهای حمایتی و نیز کیفرانگاری حمایتی مداوم با تأکید بر مصالح قربانیان جرایم می‌باشد. از سوی دیگر، ارتباط عمیق عقلانیت و مصلحت با امنیت قضایی، عدم توجه به خردورزی و مصلحت‌سنجی در وضع قانون را به عنوان عاملی تهدیدآمیز برای امنیت قضایی شهروندان رقم می‌زند (Hosseini & Rostami Ghazani, 2017).

باید توجه داشت که مقنن، در قانون مجازات اسلامی و قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، با گسترش دایره شمول جرایم قابل گذشت و ظرفیت‌های جبران خسارت بزه دیده، سعی در افزایش استفاده از فرآیندهای عدالت ترمیمی داشته تا بتواند خسارت و زیان وارده به بزه‌دیدگان

را به حد اکثر جبران کند. موفقیت این فرایندها مستلزم تقویت نهادهای مردمی و حس مسئولیت جمعی است. مقررات مندرج در قوانین آیین دادرسی کیفری و مجازات اسلامی رویکرد جدید قانون‌گذار پیرامون افزایش حمایت کیفری از بزه دیده و نقش مؤثر ایشان در دادرسی کیفری را منعکس می‌کند.

یافتن پایه‌های فقهی، مذهبی و اخلاقی قوانین و تطبیق آن‌ها با آموزه‌های عدالت ترمیمی در چرخه فرآیند کیفری، زمینه اجرای سریع و عامه‌پسند آن را فراهم می‌آورد و بسترساز اجتهادهای بدیع در حمایت از قربانیان و تأمین عدالت محسوب می‌شود. از سوی دیگر، نقش عوامل پویای فقه که بر مبنای تحقیق و فتاوی فقیهان تدوین شده‌اند - از جمله مستقلات عقلی و گستره شمول قاعده «لا ضرر» و سایر قواعد فقهی مانند قاعده حرمت خون مسلمان، پرداخت دیه از بیت‌المال و جبران خسارت بزه دیده - نشان‌دهنده تقدم و توانمندی فقه اسلامی و قواعد اخلاقی در بزه دیده‌مداری است.

بنیان‌های فقهی تأویل‌کننده اعانت به بزه دیده

فقه امامیه، به‌ویژه در حوزه فقه جزایی، در زمان حکومت امام علی (ع) قرن‌ها پیش از مطرح شدن دیدگاه‌های جرم‌شناسی، از تمامی اصول حقوقی عرفی در موضوعاتی همچون پیشگیری، بازپروری، قانونمندی، مداخله حداقل حقوق کیفری و توجه ویژه به کرامت انسانی در مقابل بزه و آسیب‌های اجتماعی بهره‌مند بوده است. این امر بیانگر آن است که فقه و گفتمان فقهی، در قالب شریعت، همواره برنامه و روش اسلام را در تمامی جنبه‌های زندگی بشر ارائه نموده‌اند. این رویکرد به‌دلیل پیوند جاودانه قرآن با عترت در پاسخ به نیازها و مسائل جدید مسلمانان و جامعه اسلامی، نمود چشمگیری داشته است. سیاست جنایی فقه امامیه برای پیشگیری از جرم، در کنار مسائل تربیتی و آموزشی، از تدابیر وضعی بهره‌مند است تا از وقوع محیطی تصنعی جلوگیری شود. فقها در تبیین این رویکرد از تعبیر «دفع المنکر» استفاده کرده و آن را از «نهی از منکر» تفکیک نموده‌اند (Jafari et al., 2022).

عدالت کیفری اسلام در حوزه جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص بیشتر بر جبران خسارت وارده به بزه دیده و ایجاد صلح و سازش میان جانی و مجنی علیه و خانواده طرفین تأکید دارد. در قرآن مجید، سنت اسلامی و آراء اندیشمندان و فقهای اسلام، به صلح و سازش در این موارد توصیه کرده‌اند؛ به‌طوری که با گذشت شاکی خصوصی یا وراث مقتول، مجازات قصاص به پرداخت دیه تبدیل شده و جان از قصاص نجات می‌یابد. اندیشمندان و فقهای اسلام در بیان علت وضع مجازات‌ها ابتدا به «مصلحت‌های ملزمه‌ای» اشاره می‌کنند که از دیدگاه شریعت حفظ آن‌ها ضروری بوده و اساس بقای جامعه و سعادت آن در گرو حفظ این مصالح است (Jazayeri, 2014).

مصلحت‌های ملزمه مذکور معمولاً به پنج یا شش دسته تقسیم شده و به عنوان «مصالح خمس» یا «مصالح سته» تعبیر می‌شوند؛ این مصالح شامل دین، عقل، نفس (تمامیت جسمانی)، نسل انسان (بقای نسل و خانواده)، مال و امنیت است (Jazayeri, 2021).

سیاست جنایی اسلام به عوامل بزه‌کاری توجه دارد و آن‌ها را در وقوع جرم دخیل می‌داند؛ در مکتب امامیه، دیدگاه «لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین» به معنای نفی جبرگرایی و اختیارگرایی مطلق حاکم است. اگرچه این دیدگاه در میان فرقه‌های اشاعره و معتزله مطرح شده، اما با تأکید اسلام بر پذیرش مسئولیت کیفری و اهمیت تدابیر پیشگیرانه، هرگونه جبر و اختیار مطلق را نیز نفی می‌کند؛ به همین دلیل، اگرچه انسان در انجام رفتارهای خودمختار است، عوامل درونی و بیرونی فراوانی بر اراده او تأثیرگذار است (Haji Dehabadi & Baharloui, 2015).

یکی از عواملی که وقوع جرم را تسهیل می‌کند و بزه‌کاران را در انتخاب قربانیان ترغیب می‌نماید، ظلم‌پذیری و عدم مقاومت بزه‌دیدگان است. رفتار بسیاری از بزه‌دیدگان در جرائمی چون کلاهبرداری، ایراد ضرب و جرح، اخاذی و موارد مشابه، موجب تشویق بزه‌کاران می‌شود. قرآن کریم پس از مذمت جرائم ربا دادن و گرفتن، تأکید می‌کند که ستمگری و ستم‌پذیری هرگز مورد قبول نیست ("... لا تَظْلِمُونَ و لا تُظْلَمُونَ" - بقره: ۲۷۹).

بسیاری از مجرمان به دلیل مساعد بودن زمینه ارتکاب جرم و عدم توان دفاعی بزه‌دیدگان، انگیزه ارتکاب جرم در آنان افزایش می‌یابد. به همین دلیل، در سیاست جنایی اسلام علاوه بر نهی از منکر و هشدار به مجرم، جلوگیری از ستم و تعدی و یاری به فرد در معرض بزه دیدگی نیز مورد تأکید قرار می‌گیرد. در جرائم علیه اموال، اعتماد نابجا منجر به جرائمی مانند کلاهبرداری و خیانت در امانت می‌شود. همچنین، آگاهی و احتیاط در تنظیم قراردادهای و اسناد حقوقی، از سوءاستفاده‌های مالی جلوگیری می‌کند. خداوند متعال در آیه ۲۸۲ سوره بقره، به احکامی پرداخته است که در اصل جهت پیشگیری از بزه دیدگی است (Karbas Farush & Asadi, 2021).

آیات قرآن در این زمینه نیز به تفصیل نکات مربوط به معاملات و شهادت را بیان می‌کنند؛ در این میان، آیه ۱۰۶ سوره مائده نیز به اهمیت شهادت در مواقع بحرانی اشاره دارد.

برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سیاست جنایی اسلام در حمایت از بزه دیده تنها به مجازات محدود نمی‌شود؛ بلکه دیدگاه اسلام دفع بدی به بهترین شکل ممکن است؛ به این معنا که علاوه بر مجازات بزه‌کار، با راهکارهایی نظیر عفو و بخشش و حتی کمک به بزه‌کار، از بزه دیدگی‌های مکرر جلوگیری می‌شود. امام علی (ع) نیز وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را برای اصلاح جامعه و جلوگیری از بی‌فکری افراد بر عهده دانسته است. از مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی این فریضه، اصلاح عامه، جلوگیری از تجاوز به قشر آسیب‌پذیر و پیشگیری از وقوع بزه دیدگی‌های مأمور و منهی است؛ برای مثال، پیامد امر به پوشش مناسب بانوان، مصون ماندن ایشان از آزار و اذیت است. همچنین همانگونه که جرم‌شناسان اظهار داشته‌اند، مصرف مواد سکرآور و کاهش هوشیاری فرد زمینه مناسبی برای بزه‌کاران بالقوه فراهم می‌آورد؛ بنابراین، نهی از مصرف آشکار این مواد و همچنین اجتناب بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر از قرار گرفتن در موقعیت‌های خطرناک، از راهکارهای پیشگیرانه به‌شمار می‌آید (Katouzian, 2004).

حقوق جزای اسلامی، همانگونه که بی‌توجهی به حقوق متهم و خارج شدن دادرسی از مسیر عدالت را مردود می‌داند، از بی‌توجهی به حقوق دادخواه و بزه دیده که منجر به انحراف دادرسی و کاهش محتوا می‌شود، به شدت مخالف است. به علاوه، هرچند حقوق متهم با طرح دعوی توسط شاکی و شروع فرایند دادرسی مفهوم می‌یابد، اما حقوق متهم به نوعی فرعی از حقوق شاکی محسوب می‌شود. حقوق اسلامی، بر مبنای آیه ۵۸ سوره نساء ("و اذا حکمت بین الناس ان تحکمو بالعدل") و آیه ۴۲ سوره مائده ("فا حکم بینهم بالقسط")، بر رعایت تساوی حقوق قربانی و متهم تأکید دارد و عدم رعایت آن موجب ناعدالتی می‌شود (Kazemi & Chegini, 2021).

آنچه از مطالعات پژوهشی برمی‌آید، این است که دین مبین اسلام و قرآن کریم با جامعیت کامل و هم‌هدف با انسان‌شناسی جنایی و بزه دیده‌شناسی، کلیه دیدگاه‌های جرم‌شناسانه را تبیین می‌کند؛ بخصوص در بزه دیده‌شناسی. معصومین به‌عنوان راهنمایان مصون از خطا، فرموله‌های بزه دیده‌شناسی اولیه را از طریق روایات و تفاسیر ارائه می‌دهند؛ چنانکه پیامبر (ص) فرمودند: «أنا مدینه العلم و علی بابها». امام خمینی نیز با توجه دقیق به بزه دیدگی اولیه در قصاص و با استناد به نظریات انتخاب عقلانی و نظریه شتاب‌دهنگی بزه دیدگی، ویژگی‌های خاص احکام تعبدی، بزه دیدگی و قربانی شدن بزه‌دیدگان منفعل و بی‌تقصیر را تبیین می‌کند. بزه دیدگی در جرایم علیه اشخاص و قصاص،

بسته به اباحه فعل جانی و میزان هدر رفتن خون مقتول - اعم از مطلق یا نسبی (مانند دفاع مشروع و قتل همسر در شرایط خاص) - تحت تأثیر رضایت بزه دیده و تفاوت‌های میان بزه‌کار و بزه دیده در حوزه عقل و دین قرار می‌گیرد (Hakimiha & Koulai, 2022). بنابر مبانی ضمانی فقه اسلام، حکومت موظف است جبران خسارت بزه دیده را بر سایر تکالیف مقدم بدارد؛ اما از منظر مبانی تکلیفی، چنین الزامی وجود ندارد. به بیان دیگر، در دسته‌بندی مبانی، پرداخت خسارت بزه دیده یا از احکام وضعی است که بر عهده دولت است یا تکلیفی است که با رعایت اولویت‌های پرداخت، باید مقدم شمرده شود. البته مبانی تقدم حکم وضعی بر حکم تکلیفی به این دلیل است که در حکم وضعی شرط قدرت پرداخت مطرح نیست؛ بنابراین، در صورت نداشتن توان مالی، حکم تکلیفی ساقط می‌شود. نتیجه این است که بر مبنای مبانی ضمان آور، جبران خسارت بزه دیده بر سایر تکالیف دولت مقدم خواهد بود (Hosseini & Rostami Ghazani, 2017). قواعد فقهی بزه دیده‌مدار

اینک در راستای تکمیل مباحث پیشین، به اختصار به شرح برخی قواعد فقهی بزه دیده‌مدار می‌پردازیم:

۱. قاعده «لایبطل دم امرئ مسلم»

این قاعده، که به صورت «لایذهب دم امرئ مسلم هدر» نیز آمده است، از نمونه‌های بارز حمایت از بزه دیده به‌شمار می‌آید. طبق این قاعده، جبران خسارت بزه دیده به دلیل سلب حیات و آسیب به تمامیت جسمانی او ضروری است؛ به عبارت دیگر، تأمین ضرر و زیان بزه دیده و پرداخت دیه در موارد قتل از مصادیق برجسته حمایت محسوب می‌شود. از حکم فوق درباره قتل استنباط می‌شود که سیاست جنایی اسلام در سایر جرایم نیز باید بر حمایت از بزه دیده تکیه کند. بر اساس روایات و کتب فقهی، علل بیم عدم پرداخت دیه و جبران نشدن خسارت بزه دیده و اولیای دم او استناد شده است؛ به همین منظور، در برخی موارد، شریعت مقدس دولت اسلامی را موظف می‌داند که از طریق بیت‌المال خسارت قتل بزه دیده را پرداخت کند و در موارد دیگر، حتی قاتل را به پرداخت دیه ملزم می‌سازد (Research Department of Law, 2015).

۲. ماده ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی

ماده ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی مشعر بر این مطلب است که اگر شخصی به قتل برسد و قاتل شناسایی نشود یا به دلیل ازدحام کشته شود، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌گردد. به موجب نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه، این ماده مصوب ۱۳۹۲ عملاً جانشین ماده ۲۵۵ قانون مصوب ۱۳۷۰ می‌باشد. از این رو، چنانچه تحقیقات به حد کفایت انجام پذیرد اما امکان شناسایی متهم یا متهمین فراهم نشود، با استناد به ماده ۴۸۷ و با در نظر گرفتن اینکه خون مسلمانی نباید هدر رود، حکم به پرداخت دیه از بیت‌المال صادر می‌شود.

۳. نکات مرتبط با تعادل حقوقی بین مسلمان و غیرمسلمان

با توجه به استفاده از واژه «شخص» و هدف مقنن مبنی بر حمایت از کلیه سکنه ایران (اعم از مسلمان و غیرمسلمان) و با استناد به مفاد ماده ۵۵۴ ق.م.ا.مبنی بر اینکه بر مبنای نظر حکومتی مقام رهبری، دیه جنایت برای اقلیت‌های دینی (مانند زرتشتی، کلیمی، مسیحی) به اندازه دیه مسلمان تعیین می‌گردد، پرداخت دیه غیرمسلمان از بیت‌المال نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد.

۴. قاعده «الاحرج» یا قاعده نفی عسر و حرج

این قاعده که با آیه ۷۸ سوره حج (همچنین آیات ۶ سوره مائده، ۱۸۵ سوره بقره و ۲۸۶ سوره بقره) تائید شده است، بیان می‌کند که خداوند هیچ حکمی که متضمن ایجاد عسر و حرج برای مکلفین باشد را تشریع نکرده است. از این رو، هرگونه حکمی که موجب ایجاد فشار و تنگنا بر بندگان شود، از نظر شرعی نامناسب است.

در نوشتجات برخی پژوهشگران آمده است که نفی حرج به معنای نفی ضیق و تنگی و هرگونه حرج خارجی است؛ به عبارت دیگر، هیچ کس نباید عملی را بر دیگری تحمیل کند که او را در شرایط تنگنا قرار دهد (Scholar et al., 2016). همچنین، برخی از مجتهدان (به استناد شیخ انصاری، رسائل، چاپ ۱۳۱۵، صفحه ۳۱۲) بیان نموده‌اند که در صورت تعارض میان قاعده «لا ضرر» و «لا حرج»، قاعده «لا حرج» مقدم است (Shukrian Kokunde & Qudsi, 2021).

۵. قاعده «لا ضرر و لا ضرار»

این قاعده، که بر اساس حدیث معروف «لا ضرر و لا ضرار» مستنبط شده، تأکید می‌کند که ضرر در اسلام مشروعیت ندارد. به عبارت دیگر، پیامبر (ص) در مرحله تشریع هرگونه ضرر را منفی دانسته و در روابط اجتماعی نیز، هر عملی که منجر به وارد آمدن ضرر شود، از امضای شریعت خارج است (Hosseini & Rostami Ghazani, 2017). فقها با تفسیر عبارت «لا ضرر و لا ضرار» به عنوان منع از وارد کردن ضرر، استنتاج نموده‌اند که کلیه ضررها باید جبران شوند؛ به عنوان مثال، در صورت از دست دادن عضو خانواده به دلیل قتل عمدی، خسارات مالی، اجتماعی و روانی باید جبران گردد (Jazayeri, 2014; Jazayeri, 2021).

۶. قاعده تسبیب

قاعده تسبیب (من أضرَّ بطريقِ المسلمینَ فهو له ضامنٌ) بیان می‌کند که کسی که عملی انجام دهد که منجر به تلف شدن مال، جان یا عضو بدن دیگری شود - به‌گونه‌ای که در صورت عدم انجام آن عمل، تلف رخ نمی‌داد - ضامن خسارت محسوب می‌شود. برای مثال، اگر کسی در مسیر عمومی چاهی کند و به دلیل بی‌احتیاطی، حیوان یا فردی در آن سقوط کرده و جان خود را از دست بدهد، مسئولیت خسارت بر عهده چاه‌کننده است. همچنین، در موارد شهادت دروغ که پس از بازگشت شهود، حقیقت آشکار گردد، مسئولیت شهادت دروغ به عهده شهود خواهد بود؛ در چنین مواردی، در صورت عمدی بودن شهادت، مسئولیت قتل عمدی و در صورت خطا، مسئولیت قتل خطایی و پرداخت دیه تعیین می‌شود (Mohammadi, 2005).

تسبیب تنها در صورتی ضمان آور است که از منظر عرف، عملی تجاوز یا عدوان محسوب شود؛ به عنوان مثال، چاه کندن در معبر عام ضمان آور است، اما انجام همین کار در ملک شخص یا در مکان‌های مجاز، ضمان آور نخواهد بود (Katouzian, 2004). لازم به ذکر است که در تسبیب، عامل به‌طور مستقیم تلف‌کننده نیست؛ بلکه مقدمه‌ای برای وقوع خسارت فراهم می‌آورد. همچنین، برای تحقق تسبیب دو شرط لازم است: نخست، وقوع تلف (به‌عبارتی، اگر چاه‌کننده شود ولی کسی نیفتد، مسئولیتی ایجاد نخواهد شد) و دوم، احتمال وقوع تلف به اندازه‌ای باشد که عرف آن را مسئول بداند (Mohagheq Damad, 2021).

پیچیدگی‌های ناشی از فناوری نیز مسئله تشخیص سببیت را به سطحی بسیار تخصصی می‌رساند؛ برای مثال، در سیستم‌های ترمز خودرو، هرگونه اشتباه در محاسبات فنی می‌تواند منجر به خسارات جانی گسترده شود. در چنین مواردی، در صورت وجود تعارض میان سببیت فلسفی-عقلی و سببیت علمی-عرفی، تعیین مسئولیت نیازمند ارزیابی دقیق تخصصی است (Mousavi Fard et al., 2022). به همین

ترتیب، تسبیب علمی و فنی می‌تواند جایگاه خاصی در تعیین مسئولیت داشته باشد؛ به طوری که در صورت اثبات سببیت شرعی، قضاوت از طریق کارشناسی تخصصی صورت می‌گیرد (Raijian Moal, 2018).

۷. موجبات ضمان و مسئولیت کیفری

صرف ارتکاب رفتار و وقوع نتیجه به تنهایی برای مستندسازی مسئولیت کفایت نمی‌کند؛ جنایت بر نفس، اعضا و منافع تنها در صورتی موجب قصاص یا دیه می‌شود که نتیجه به‌طور عمدی و ارادی حاصل شده باشد، چه به‌طور مباشرت، چه به‌صورت تسبیب یا اجتماع. مستفاد از ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی آن است که اگر کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری شود (حتی بدون مرتکب شدن مستقیم جنایت)، مسئول شناخته می‌شود؛ به عنوان مثال، اگر شخصی چاهی کند و در نتیجه کسی آسیب ببیند، رابطه علیت مستند خواهد بود.

در مواردی که علل یا اسباب متعددی در وقوع جنایت دخیل باشند، قانون‌گذار در ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی تصریح می‌کند که در صورت دخالت چند عامل، کسی که تأثیر عمل او پیش از سایر عوامل بوده باشد، به عنوان ضامن شناخته می‌شود؛ مگر آنکه همه عوامل با قصد ارتکاب جنایت عمل کرده باشند، که در این صورت مشارکت جرم محسوب می‌شود.

مسئولیت کیفری در جرائم عمدی (حدود، قصاص و تعزیرات) تنها در صورتی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم عاقل، بالغ و مختار بوده و فاقد عوامل موجهه و رافع مسئولیت کیفری باشد - به جز در موارد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم (قصاص) آمده است. ماده ۱۴۱ قانون مجازات اسلامی اصل شخصی بودن مجازات و مسئولیت کیفری را تصریح می‌کند؛ به موجب آن، مجازات منحصرأً به شخص مجرم تعلق دارد و به نزدیکان او سرایت نمی‌کند. همچنین، مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر تنها در صورتی برقرار می‌شود که فرد به‌طور قانونی مسئول اعمال دیگری باشد (مانند ضمانت عاقله در خصوص جنایتی که صغیر یا مجنون مرتکب شده‌اند) یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگر، مرتکب تقصیر شود. برای بر عهده گرفتن مسئولیت فعل غیر، سه شرط وجود دارد: ۱- جرم بودن عمل، ۲- داشتن وظیفه نسبت به دیگری، ۳- ارتکاب تقصیر از سوی فرد مسئول (Toloi Moghadam, 2015).

در نهایت، در نظام مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است؛ به طوری که شخص حقوقی تنها در صورتی مسئول محسوب می‌شود که نماینده قانونی او در راستای منافع (مادی یا معنوی) به ارتکاب جرم بپردازد. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نخواهد بود. طبق تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، مقررات مذکور در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی (غیر دولتی) که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود؛ و بر اساس ماده ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی، دادگاه موظف است در مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری شده باشد، نتیجه را بر مبنای تقصیر مرتکب استناد نماید (Sayadi, 2018).

مبانی فلسفه محور و هنجارمند اخلاقی حمایت از بزه دیده

یکی از مهم‌ترین مبانی مطرح پیرامون حمایت از بزه دیدگان، مبنای عقیدتی، فلسفی و ایدئولوژیک است. از دیدگاه دین مبین اسلام، حمایت از قربانی - چه در قالب حمایت حقوقی و قضایی و چه حمایت مادی و معنوی - از بنیادی‌ترین وظایف شرعی به‌شمار می‌آید که موجبات رستگاری و رضای خداوند متعال را به همراه دارد (Abdian & Elham, 2023; Abu Zari & Sahrai, 2021). قرآن کریم در آیه شریفه سوره نسا می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (Afzali et al., 2021). همچنین، آیه ۷۲ سوره انفال به نقش مؤمنانی اشاره دارد که با هجرت، جان و مال خود را در راه خدا به کار می‌گیرند و پناه‌دهنده و یار یکدیگر هستند؛ در حالی که مؤمنانی که هجرت

نکرده‌اند از حمایت آنان محروم می‌مانند (Aghaei, 2021). در این زمینه تأکید شده است که در مواقعی که مؤمنان تحت فشار برای حفظ دین به یاری نیاز پیدا کنند، یاری لازم باید ارائه شود، مگر در مقابل اقوامی که میان مؤمنان و آنان پیمان منعقد شده است (Aghai, 2018). در اسلام، راهکارهایی نظیر ایجاد اشتغال، تاسیس موقوفات، کفارات، قرض‌الحسنه، زکات، خمس و صدقه برای حمایت از افراد محروم و بزه دیدگان پیش‌بینی شده‌اند که نقش مؤثری در پیشگیری از جرم و کاهش بزه دیدگی دارند (Ahmadi, 2021). قرآن در رابطه با ضررهای شدید و آسیب‌های مستقیم، اقدام به جرم‌انگاری نموده و در موارد خفیف‌تر یا آسیب رساندن به خود، یا به ضمان مدنی اکتفا کرده یا دستور جبران خسارت داده است (Akhtar & Mozenzadegan, 2019). حفظ جان، آبرو و مال انسان و نیز آسایش فردی و امنیت اجتماعی از ارزش‌هایی است که قرآن کریم با مقررات کیفری به آن‌ها تأکید کرده و جرم‌انگاری قذف، سرقت و محاربه را مد نظر دارد (Bagheri et al., 2023).

در نگرش فلسفی به مجازات، دو محور اصلی در تبیین چیستی و توجیه اخلاقی مجازات مطرح است؛ برخی مجازات را ذاتاً «حسن» می‌دانند و برخی دیگر این توصیف را مشروط بر شرایط خاص می‌دانند، به طوری که تفاوت این رویکردها در جابجایی مفهوم «اصل» و «استثناء» نهفته است (Barzegarzadeh et al., 2015; Danesh Ara & Kazemi, 2022). برداشت عمیق از سیاست قانونگذاری مستلزم آشنایی کامل با دیدگاه‌های فلسفی است و پذیرش مبانی عقلی در جرم‌انگاری، اصلی دیرین است که در سرزمین بین‌النهرین باستان نیز به کار می‌رفته و بر اساس اصول علیّت، ضرورت علی معلولی و قیاس عقلی بنا نهاده شده است (Davari, 2019; Ehsanpour & Haqiqi, 2021).

از منظر هنجاری نیز، اندیشمندانی به ابعاد ارزش حمایت از بزه دیدگان در جامعه اشاره دارند و معتقدند که پاسداری از ارزش‌های جامعه، سرلوحه حقوق جزا است؛ چرا که حمایت از نیازمندان، مستضعفان و بزه دیدگان از اصول ارزشمند جامعه محسوب می‌شود (Fallahi et al., 2017; Farahmand, 2019; al., 2019). همچنین، نظریه مصلحت در حقوق کیفری دارای جنبه‌های ایجابی و سلبی است؛ به نحوی که حفظ اخلاق و امنیت اجتماعی و الزام وجود عنصر ضرورت برای جرم‌انگاری رفتارها از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند (Gholami, 2019; Gol, 2023). در نظام حقوقی ایران که منبع آن شرع است، علاوه بر مبانی اجتماعی و ارزشی، مبانی منطقی و قانونی و همچنین حاکمیتی دولت نسبت به ملت و وظیفه تأمین رفاه عمومی نیز مد نظر قرار می‌گیرند (Gurji, 1994; Haji Dehabadi & Baharloui, 2015).

پذیرش حق بزه دیده در تعیین مجازات مورد تأیید تمامی فلاسفه نیست؛ به عنوان مثال، کانت معتقد است که مجازات نباید صرفاً به عنوان وسیله‌ای برای تحقق خیری برای مجرم یا جامعه تلقی شود و تنها به دلیل ارتکاب جرم باید اعمال گردد (Haji Dehabadi & Mahshid, 2022). همچنین، پیش از پیروزی انقلاب، نظام حقوقی ایران حقوق بزه دیده را در تعیین و اجرای مجازات به رسمیت نمی‌شناخت؛ مثلاً ماده ۲۷۷ قانون مجازات اسلامی سابق، گذشت متضرر از جرم را مشروط به فقدان سابقه کیفری متهم می‌دانست، در حالی که امروزه قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ این حق را به طور رسمی وارد گفتمان سیاست جنایی کرده است (Hosseini, 2022; Rostami Ghazani, 2017; Jafari et al., 2022).

از منظر فلسفه و عقل، مبانی مستقل عقلی در استنباط احکام شرعی اهمیت ویژه‌ای دارند. مستقلات عقلی به احکامی گفته می‌شود که عقل بدون تکیه بر متون شرعی به دست آورده و حکم به حرمت ظلم یا برتری حسن عدل بر ظلم را صادر می‌کند؛ به عبارت دیگر، اگرچه افراد

ممکن است بر مبنای فرهنگ و رسوم مختلف به یک حکم دست یابند، اما از منظر عقل اگر عملی قبیح تلقی شود، شرع نیز آن را منع می‌کند و ملازمه «کلمه حکم به عقل حکم به شرع» برقرار است (Jazayeri, 2014; Jazayeri, 2021). همچنین، ملازمه «کلمه حکم به شرع حکم به عقل» نشان می‌دهد که در مواردی که شریعت دستور امر یا نهی را صادر می‌کند، عقل نیز به طور کلی آن را تأیید می‌کند (Karbas, 2004; Farush & Asadi, 2021; Katouzian, 2004).

انتقال مفاهیم عرفی به حقوق موضوعه به عنوان عاملی برای تکمیل جامعیت مقررات حقوقی و جرم انگاری رفتارها مورد توجه قرار می‌گیرد. اگر این فرآیند به درستی انجام شود، سیاست‌های جاری قانون‌گذاری می‌توانند از وجاهت اخلاقی برخوردار شوند، چرا که اصول جرم انگاری از ارزش‌های پذیرفته‌شده جامعه استخراج شده‌اند (Kazemi & Chegini, 2021; Mahmoudi et al., 2022). همچنین، برخی از مقررات جزایی مانند احکام حدود، قصاص و دیات اقتباسی گسترده از احکام شرع هستند که در حوزه «منطقه الفراغ» نیز از آموزه‌های جرم‌شناسی و حقوق عرفی بهره برده شده است (Mir Kamali & Sarvi Sarmidani, 2021). انتقال صحیح مفاهیم عرفی به حقوق موضوعه می‌تواند نارسایی‌های قوانین را جبران کند، به شرط آنکه از اصول عقل و عرف مقتضی استفاده شود (Mir Khalili, 2017).

در زمینه اجرای کیفر تعزیری نیز، حاکمیت می‌تواند با بهره‌گیری از گزارش‌های تخصصی در حوزه‌های روان‌شناسی، علوم اجتماعی و جرم‌شناسی، مجازات مناسب و عادلانه‌ای تعیین کند؛ به طوری که بر اساس قاعده «ملازمه اذن در شیء» و «التعزیر بما یراه الحاكم»، وظیفه تعیین کیفر به نهاد تنظیم‌گر واگذار شود (Mirkamali & Hajizadeh, 2019; Moghdisi et al., 2017). در نهایت، قاعده ملازمه میان حکم عقل و حکم شرع از قواعد مهم فقهی است که در حقوق موضوعه نیز کاربرد دارد. این قاعده از دو بخش تشکیل شده است؛ بخش اول که می‌گوید «کلمه حکم به عقل حکم به الشرع» به این معناست که اگر عقل به طور مستقل فعلی را حسن یا قبیح دانسته باشد، شارع نیز بر همان اساس حکم امر یا نهی صادر می‌کند، و بخش دوم که می‌گوید «کلمه حکم به الشرع حکم به عقل» نشان می‌دهد که حکم شریعت بر مبنای مصالح واقعی استوار است و عقل نیز به طور اجمال به آن پی می‌برد (Mohagheq Damad, 2021; Mohammadi, 2005; Mossadegh, 2021). بنابراین، هنگامی که حکم عقل به صورت مستقل صادر شود، انتقال آن به حکم شرعی برقرار می‌شود و بالعکس، حکم شریعت نیز می‌تواند مبنای حکم عقل قرار گیرد (Mousavi Fard et al., 2022).

قرآن کریم در تشریع مقررات جزایی راه اعتدال را برمی‌گیرد و نظام جرم انگاری خود را بر مبنای ملاک‌های عقلانی و مصالح اساسی فرد و جامعه بنا نهاده است (Najafi Abrandabadi & Hamid, 2016). این امر نشان‌دهنده اهمیت حفظ حق حیات، حرمت قتل و جبران خسارت بزه دیده به عنوان اولویت‌های اساسی در نظام مجازات اسلامی است (Nobahar, 2017). همچنین، در حوزه احکام جزایی مانند حدود، قصاص و دیات، مقرراتی که اقتباسی از احکام شرع هستند تنظیم شده‌اند و تفاوت‌های متعددی میان احکام کیفری مسلمانان و غیرمسلمانان، زن و مرد و سایر موضوعات چالش‌برانگیز وجود دارد که نیازمند بهره‌گیری از عقلانیت و مصلحت در قانون‌گذاری جزایی می‌باشند (Omid Zanjani, 2008; Parvizi & Davarnia, 2019; Rahami, 2006; Rahiminejad, 2017). انتقال مفاهیم عرفی به حقوق موضوعه توانایی حفظ جامعیت قوانین را دارد و از این رو، حاکمیت می‌تواند با بهره‌گیری از اندیشه و تدابیر قضایی، تعیین کیفر مناسب را به نهاد تنظیم‌گر واگذار کند (Raijian Moal, 2018; Research Department of Law, 2015).

در نهایت، بر اساس اصول مذکور، حاکمیت می‌تواند با استفاده از اندیشه و قاعده «کلمه حکم به عقل حکم به الشرع» و «کلمه حکم به الشرع حکم به عقل»، وظیفه تعیین و اجرای مجازات‌ها را به نهاد تنظیم‌گر واگذار کند. این ملازمه نشان می‌دهد که اگر حکم عقل به صورت مستقل

صادر شود، انتقال آن به حکم شرعی برقرار می‌شود و بالعکس، حکم شریعت نیز می‌تواند مبنای حکم عقل قرار گیرد، امری که در بسیاری از قواعد فقهی مانند «لا ضرر و لا ضرار»، «اصل برائت»، «قاعده ید»، «عسر و حرج» و سایر موارد مشاهده می‌شود (Saqian et al., 2021; Sayadi, 2018; Scholar et al., 2016; Shambiasi & Parvini, 2015; Shiri, 2018; Shukrian Kokunde & Qudsi, 2021). همچنین در حوزه مجازات‌های تعزیری، مسئولیت کیفری به شخص حقیقی اختصاص دارد و در مواردی که مسئولیت ناشی از فعل غیر به فرد دیگری واگذار شود، شرایط خاصی مد نظر قرار می‌گیرد؛ به عنوان مثال، اگر فردی به‌طور قانونی مسئول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری مرتکب تقصیر شود، مسئولیت کیفری بر عهده او قرار می‌گیرد (Tahidi & Hosseini, 2016; Tolo, 2015; Moghadam, 2015). بدین ترتیب، در نظام حقوقی اسلامی، مبانی فلسفه محور و هنجارمند اخلاقی حمایت از بزه دیده، از طریق تلفیق مبانی عقلی، شرعی، عرفی و اجتماعی، به عنوان یکی از ستون‌های اصلی در حفظ حق حیات و جبران خسارت بزه دیده مطرح است.

حمایت شکلی و ماهوی از بزه دیده در سیاست جنایی تقنینی

سیاست جنایی بزه دیده‌مدار، در وهله نخست، در گرو شناسایی دقیق بزه دیده و سپس پیش‌بینی حقوق مشخص برای او در چارچوب یک الگوی حمایتی چندگانه است که دولت باید آن را به منزله یکی از جنبه‌های سیاست اجتماعی در جهت‌گیری‌های قانون‌گذاری، قضایی و اجرایی خود بگنجانند و در این راستا همکاری و مشارکت با جامعه مدنی را نیز تقویت کند (Research Department of Law, 2015). در سطح داخلی، سیاست جنایی توجه خود را به بزه دیده سوق داده و رویکرد خود را با تفاوت قائل شدن بین بزه دیده مقصر (برای نمونه بند پ ماده ۳۸ و ماده ۵۰ قانون مجازات اسلامی) و بزه دیده بدون تقصیر - که عمده قربانیان مستقیم جرایم هستند - متمایز نموده است. از طرفی، برخی دیگر از قوانین حمایت از افراد آسیب‌پذیر و آسیب‌دیده را مورد تأکید قرار داده و با توجه به شرایط بزه دیدگی، مبادرت به جرم‌انگاری برخی رفتارها با عناوین جدید می‌کنند. در زمینه نوآوری، می‌توان به ماده واحده قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومان و رفع مخاطرات جانی مصوب ۱۳۵۴، بندهای الف و ب ماده ۸۰ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۹۵ و همچنین قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱ اشاره کرد. در عرصه آیین دادرسی کیفری نیز، مواد ۶۶، ۶۷، ۶۸ و ۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به جنبه حمایتی از بزه دیده تأکید دارند؛ به طوری که از دیدگاه قانون‌گذار، کودکان و نوجوانان، زنان، بیماران، ناتوانان جسمی و ذهنی، محجوران، سالمندان و مجانین جزو «بزه دیدگان ویژه آسیب‌پذیر» محسوب می‌شوند (Saqian et al., 2021; Sayadi, 2018). این سیاست موجب شده تا در کنار سیاست جنایی جرم‌مدار و سیاست جنایی مجرم‌مدار، «سیاست جنایی بزه دیده‌مدار» نیز به رسمیت شناخته شود و راهبردهای سیاست جنایی را متنوع سازد (Hosseini & Rostami Ghazani, 2017).

در راستای پوشش موضوعات محوری چون جبران خسارات بزه دیده، باز اجتماعی کردن بزه‌کار، کاهش حجم پرونده‌های کیفری و جلوگیری از اطاله دادرسی، رویکرد تقابل و همکاری بین بزه دیده و بزه‌کار در مراحل دادرسی و نظارت مراجع قضایی به کار گرفته شده است. تأکید بر مضامینی مانند استمهال، میانجی‌گری، صلح و سازش در قانون آیین دادرسی کیفری، نشان‌دهنده تحول رویکرد مقنن در بررسی نقش بزه دیده و بزه‌کار در دادرسی و امکان تعامل و مشارکت آنان در بهبود فرآیند کیفری است (Afzali et al., 2021; Fallahi et al., 2019). قانون مجازات اسلامی، با الهام از اندیشه‌های بنیادین نظریه عدالت ترمیمی و اصل حداقل بودن حقوق جزا و با هدف کیفرزدایی، در برخی نهادهای قانونی به دنبال حذف کیفر (مانند توبه، عفو و معافیت از کیفر)، در برخی دیگر به دنبال تخفیف یا تبدیل کیفر (مانند تخفیف قضایی، مجازات جایگزین حبس و نظام نیمه آزادی) و در پاره‌ای دیگر در پی تأخیر در اجرای کیفر (مانند تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و تعویق صدور حکم) است. قانون آیین دادرسی کیفری نیز با به‌کارگیری اصول دادرسی منصفانه که همسو با نظریه عدالت ترمیمی است،

پیش‌بینی نهادهای ترمیمی جایگزین تعقیب متهم و جلوه‌های جدید سیاست جنایی مشارکتی (مانند میانجی‌گری و مشارکت سازمان‌های مردم نهاد در تعقیب دعوی عمومی) را فراهم ساخته است (Davari, 2019; Ehsanpour & Haqiqi, 2021). با وجود مزایای فوق، برخی نویسندگان بر محدودیت‌های حمایتی قانون جدید در موارد مرور زمان جرایم قابل گذشت، نهاد توبه و گذشت بزه دیده قبل از فوت تأکید می‌کنند (Gholami, 2019; Gol Sanam Lo et al., 2023). تحقق آموزه‌ها و بارقه‌های عدالت ترمیمی در قانون آیین دادرسی کیفری جدید به منظور اصلاح بزه‌کار و جبران خسارت وارده بر بزه دیده و ترمیم پیوندهای انسانی در جامعه، از طریق اتخاذ قراردایی نظیر ترک تعقیب، تعلیق تعقیب، تعویق تعقیب، توقف تحقیقات، بایگانی پرونده، نظارت قضایی و حذف قرار بازداشت موقت الزامی، به اجرا درآمده است (Jafari et al., 2022; Jazayeri, 2014). این رویکرد نشان‌دهنده تلاش قانون‌گذار برای ترمیم ضمانت اجراهای کیفری و کوچک‌سازی محدوده حقوق جزای شکلی در راستای جبران خسارات وارده به بزه دیده و اصلاح روند عدالت کیفری است.

قانون گذار ایران در قانون مجازات کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، درصدد متحدالشکل نمودن گستره مفاهیم قابل گذشت و غیرقابل گذشت و حق الله و حق الناسی بودن جرایم بوده است. به نحوی که به موجب ماده ۱۰۴ اصلاحی، علاوه بر جرائم تعزیری مندرج در کتاب دیات و فصل حد قذف، جرائم دیگری که به موجب قوانین خاص قابل گذشت هستند، نیز در نظر گرفته شده و مجازات‌های مقرر در این بخش به نصف تقلیل یافته‌اند (Jazayeri, 2021).

در حوزه حمایت کیفری از اتباع ایرانی بزه دیده در خارج از کشور، مبنای اصلی، جنبه مفعولی یا منفعل اصل صلاحیت شخصی است که از مباحث عدالت ترمیمی و بزه دیده‌شناسی ناشی می‌شود. به موجب ماده ۸ قانون مجازات اسلامی جدید، در صورتی که یک غیرایرانی در خارج از کشور علیه شخص ایرانی یا کشور ایران مرتکب جرم شود و یا در ایران پیدا شود، بر اساس قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران رسیدگی می‌شود؛ البته این امر مشروط بر شرایطی همچون عدم تبرئه متهم در محل وقوع جرم و اعمال نکردن مجازات کامل است (Katouzian, 2004).

در مواردی که بزه‌کار دارای مصونیت‌های سیاسی است و از محاکمه مبری برخوردار می‌شود، حقوق بزه دیده باید به شکل کامل حمایت و تضمین گردد. در چنین مواردی، حتی با وجود مصونیت بزه‌کار طبق کنوانسیون وین، بزه دیده حق مراجعه به مراجع قضایی و مراجع سیاسی مانند وزارت امور خارجه و وزارت کشور را داشته و دولت باید امکانات لازم جهت همکاری با کشور فرستنده در جهت احقاق حقوق و جبران خسارات وارده فراهم آورد (Kazemi & Chegini, 2021).

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با تعریف واژه "بزه دیده" و پرداختن به حقوق اخلاقی بزه دیده - از جمله حق شناسایی، حق آگاه‌سازی، دسترسی فوری به نظام عدالت کیفری، تأمین امنیت، محرمانگی تحقیقات، جبران خسارت، حق برخورداری از وکیل و معاضدت حقوقی - گام‌های مهمی در جهت هم‌ترازی حقوق بزه دیده با متهم برداشته است (Mahmoudi et al., 2022). رویکرد قانون فعلی آیین دادرسی کیفری نسبت به تحقیقات مقدماتی نیز به گونه‌ای مشارکتی است که بزه دیده در اعلام، کشف، تعقیب و تحقیق جرم نقش فعال و موثر داشته و این موضوع موجب تحقق حمایت کیفری از بزه دیده می‌شود (Mir Kamali & Sarvi Sarmidani, 2021; Mir Khalili, 2017).

همچنین، حمایت کیفری تشدید و افتراقی از بزه دیدگان آسیب‌پذیر به این معناست که حقوق کیفری ایران با در نظر گرفتن خصوصیات زیستی، روانی و اجتماعی بزه دیدگان، به حمایت مبتنی بر تشدید مجازات روی آورده است. به عنوان مثال، تشدید مجازات جرایمی نظیر آدم‌ربایی، جرم زنا، و جرایم مرتبط با مواد مخدر، در صورت وقوع در شرایط آسیب‌پذیری فرد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (Mirkamali & Hajizadeh, 2019; Moghdisi et al., 2017). از سوی دیگر، برخی پژوهشگران معتقدند تحمیل هزینه‌های دادرسی بر بزه دیده، به عنوان یکی از موانع دسترسی به عدالت کیفری، صحیح نبوده و با نظریه‌های قرارداد اجتماعی، رفاه و همبستگی اجتماعی سازگار نیست (Mohagheq Damad, 2021; Mohammadi, 2005).

در پایان، حمایت شکلی و ماهوی از بزه دیده در سیاست جنایی تقنینی، از طریق شناسایی دقیق بزه دیده، پیش‌بینی حقوق مشخص برای ایشان، ایجاد سازوکارهای اجرایی جهت جبران خسارت، بهبود روند دادرسی و مشارکت جامعه مدنی و سازمان‌های مردم نهاد، تأثیر بسزایی در تحقق عدالت کیفری و کاهش بزه دیدگی داشته و رویکردی جامع در حمایت از بزه دیده ارائه می‌دهد.

نتیجه‌گیری

اتخاذ استراتژی بزه‌دیده‌مدار و ترمیم زیان وارده بر بزه‌دیده مستلزم آن است که نقش عوامل پویای فقه، از جمله مستقالات عقلیه، گستره شمول قواعد فقهی بزه‌دیده‌مدار، مبانی فلسفی، و وسعت حقانیت هنجارمندی قواعد اخلاقی اجتماع، مورد توجه قرار گیرد تا آینده‌پژوهی جدیدی در این زمینه شکل گیرد. این آینده‌پژوهی باید مشخص سازد که استنباط احکام، با تحولات عصر حاضر، چگونه می‌تواند در تأمین مصالح اجتماعی و تحقق اهداف شارع مؤثر واقع شود و زمینه‌ساز ابتباهای نوین در حمایت از قربانیان جرایم گردد.

در دهه‌های اخیر، رویکرد بزه‌دیده‌مدار عدالت ترمیمی و اجتهاد مستمر فقهی، نظم نوینی را در حمایت از نقش و جایگاه حقوقی بزه‌دیده در نظام کیفری ایران پایه‌گذاری کرده است. این امر نشان می‌دهد که حمایت از بزه‌دیده از بنیان‌های قوی فقهی، عقلانی، و فلسفی بهره می‌برد و این مبانی از جمله دلایل پذیرش و التزام افراد جامعه نسبت به هنجارهای قانونی محسوب می‌شوند. با این حال، در این عرصه کاستی‌هایی مشهود است که نیازمند تدوین راهبردهای حمایتی خاص و جرم‌انگاری حمایتی، با تأکید بر حفظ مصالح بزه‌دیدگان، می‌باشد. بر این اساس، جرم‌انگاری رفتارها باید از مقبولیت اخلاقی برخوردار باشد، زیرا اصول و کلیات جرم‌انگاری مبتنی بر ارزش‌های مورد پذیرش جامعه استنتاج شده است.

با بررسی مضامین آیات الهی و برخی قواعد فقهی بزه‌دیده‌مدار در اسلام، حفظ حق حیات، حرمت قتل، و جبران خسارت بزه‌دیده قابل استنباط است. قانون‌گذار نیز در قوانین مختلف، از جمله قانون مجازات اسلامی جدید، قانون آیین دادرسی کیفری جدید، و قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، با هدف حل و فصل اختلافات کیفری و جبران خسارات ناشی از آن، راهبردهای مشخصی را اتخاذ کرده است. در این راستا، با ارج نهادن به بزه‌دیدگان و آگاه‌سازی آنان از سرنوشت دادرسی کیفری، همچنین با گسترش جرایم قابل گذشت، تقویت ظرفیت‌های جبران خسارت بزه‌دیده، و افزایش استفاده از فرآیندهای ترمیمی، تلاش شده است تا مبانی تضمین حقوق بزه‌دیده تحقق یابد و دادرسی به شیوه‌ای عادلانه‌تر صورت گیرد. این رویکرد پیشرفته، در تعالیم شرع مقدس اسلام نیز دارای پیشینه است، به گونه‌ای که اجرای شدیدترین مجازات‌ها منوط به درخواست بزه‌دیده شاکی و توقف مجازات وابسته به گذشت او گردیده است.

بر این اساس، می‌توان با تعمیم دلالت عقل، تأثیرپذیری از مفاهیم حقوق عرفی، و رعایت مصالح بزه‌دیده، به تقویت نهادهای مردمی، افزایش احساس مسئولیت جمعی از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد، و توجه به سیاست جنایی مشارکتی در راستای تضمین حقوق بزه‌دیده، دستیابی به

مصالحه، و رعایت حقوق طرفین اقدام نمود. این امر می‌تواند در ارتقای سلامت حقوقی و بهداشت قضایی جامعه و همچنین پیشگیری از بزه‌دیدگی نقش مؤثری ایفا کند.

به نظر می‌رسد با استناد به بنیان‌های فقهی و فلسفی و الگوبرداری از رهیافت‌های نوین کیفری، نظیر عدالت ترمیمی و بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، و تلاش برای ایجاد هماهنگی و مقایسه میان آن‌ها، بتوان خلأها و کاستی‌های تقنینی در حمایت از بزه‌دیده را کاهش داده و این حوزه را به شکلی منسجم‌تر سامان بخشید.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

Victim-centered criminal policy, as a significant approach in modern criminal justice systems, focuses on recognizing the rights of victims and incorporating their participation in the justice process. This policy necessitates the identification of victims and the provision of well-defined rights within a multi-dimensional support framework, which the state must integrate into its legislative, judicial, and executive orientations. Additionally, collaboration and engagement with civil society are fundamental to this approach, ensuring comprehensive victim support at all levels ([Research Department of Law, 2015](#)). Domestically, criminal policy has shifted towards victim-centered approaches, distinguishing between culpable victims (e.g., Article 38, Paragraph P, and Article 50 of the Islamic Penal Code) and non-culpable victims, who constitute the majority of direct crime victims. In response to victimization conditions, legislation has criminalized specific behaviors under newly established legal classifications. For instance, the enactment of the 1975 Law on the Punishment of Failing to Assist Victims of Accidents and Life-Threatening Situations, as well as Articles 80 (a) and (b) of the Sixth Five-Year Development Plan Law of 2016, illustrate the legislature's intent to support vulnerable individuals. Furthermore, the 2002 Law on the Protection of Children and Adolescents, influenced by advocacy from non-governmental organizations, reflects a growing concern for victim protection. In the realm of criminal procedure, Articles 6, 66, 70, and 71 of the 2014 Criminal Procedure Code emphasize victim-centered protections, classifying children, women, the elderly, individuals with disabilities, and the mentally impaired as particularly vulnerable victims ([Saqian et al., 2021](#); [Sayadi, 2018](#)). This legislative approach marks a departure from traditional offender-centered criminal policy, instead recognizing victim protection as an independent objective within the justice system ([Hosseini & Rostami Ghazani, 2017](#)). Consequently, the diversification of criminal policy strategies is evident, as contemporary legislation balances offender accountability with victim participation. The increasing incorporation of restorative justice principles within Iran's criminal legislation reflects a paradigm shift, acknowledging the necessity of victim engagement in legal processes. This approach mitigates harm and facilitates the reintegration of offenders while ensuring that victim rights are safeguarded. Notably, mechanisms such as mediation and settlement underscore the legislature's effort to enhance victim involvement,

ultimately fostering a rehabilitative and conciliatory justice framework (Afzali et al., 2021; Fallahi et al., 2019).

The Islamic Penal Code, inspired by the foundational tenets of restorative justice and the principle of minimal intervention, has embraced decriminalization strategies, seeking to eliminate punishment (e.g., repentance, pardon, and exemption from punishment), mitigate penalties (e.g., judicial discretion, alternative sanctions, semi-liberty systems), or delay their enforcement (e.g., suspension of sentences, conditional release, and deferred judgments). The Criminal Procedure Code, in alignment with restorative justice ideals, promotes alternative dispute resolution methods, enabling victim participation through mediation and the involvement of non-governmental organizations in prosecutorial processes (Davari, 2019; Ehsanpour & Haqiqi, 2021). While these provisions offer substantial advantages, some scholars critique the law's limitations concerning the statute of limitations for prosecuting pardonable offenses, the role of repentance, and the impact of victim pardons prior to their death (Gholami, 2019; Gol Sanam Lo et al., 2023). The integration of restorative justice in procedural law, aimed at offender rehabilitation, victim restitution, and social harmony, manifests through provisions such as the suspension of prosecution, conditional prosecution, delayed prosecution, cessation of investigations, case filing, judicial supervision, and the abolition of mandatory pretrial detention (Jafari et al., 2022; Jazayeri, 2014). These measures reflect the increasing shift toward a justice system that prioritizes victim participation and rehabilitation over punitive responses. The 2020 Penal Code reform further institutionalized victim involvement by expanding the scope of pardonable offenses, including specific theft and fraud cases, thereby prioritizing victim compensation over state-imposed penalties (Jazayeri, 2021). Moreover, the extension of prosecutorial discretion in deferring charges underscores the transition toward a justice model that seeks equitable outcomes for both victims and offenders. By embedding victim-centric provisions within the legal framework, Iranian criminal policy aligns with international restorative justice norms while maintaining its commitment to Islamic jurisprudential foundations.

Iranian legal frameworks have increasingly emphasized the protection of Iranian victims abroad through the passive personal jurisdiction principle, which aligns with restorative justice doctrines and victimology advancements. Article 8 of the revised Islamic Penal Code exemplifies this shift by allowing the prosecution of foreign nationals who commit crimes against Iranian citizens or the Iranian state abroad, provided they are located or extradited to Iran. This provision, which marks a significant departure from the traditional territoriality principle, ensures that victims of transnational crimes receive legal recourse (Katouzian, 2004). In cases where perpetrators benefit from diplomatic immunity, victim rights must still be upheld. Although the 1961 Vienna Convention on Diplomatic Relations stipulates that perpetrators under diplomatic immunity must be prosecuted in their home countries, victims retain the right to access legal recourse within the host state's judiciary and political institutions, such as the Ministry of Foreign Affairs. The state of the victimized individual must facilitate legal assistance, including appointing counsel and pursuing diplomatic avenues to secure justice and compensation. Principles of good faith, fairness, and reciprocal cooperation serve as fundamental guarantees in protecting victims' rights in such contexts (Kazemi & Chegini, 2021). Additionally, the 2014 Criminal Procedure Code has reinforced victim rights through explicit provisions safeguarding access to justice, security, confidentiality, legal representation, and psychological support (Mahmoudi et al., 2022). This legal framework enhances procedural justice by providing victims with participatory mechanisms that prevent secondary victimization. Unlike prior regulations, which predominantly focused on prosecution and

punishment, the revised code rebalances criminal policy by integrating victim-centered guarantees into all phases of criminal proceedings.

In addition to procedural rights, the penal system has embraced differential victim protection mechanisms, incorporating stricter penalties for crimes committed against vulnerable victims. Iranian criminal law has acknowledged the unique needs of such victims by intensifying penalties for offenses committed against individuals with heightened susceptibility to harm. For example, aggravating circumstances apply to kidnapping based on the victim's age, as stipulated in Article 621 of the 1996 Penal Code. Similarly, Article 224(2) of the 2013 Penal Code prescribes severe penalties for sexual offenses involving deception, coercion, or intimidation of minors (Mirkamali & Hajizadeh, 2019; Moghdisi et al., 2017). The law also presumes intentionality in crimes committed against elderly, ill, or otherwise vulnerable victims, reinforcing the principle of enhanced victim protection. In drug-related offenses, offenders who exploit minors or incapacitated individuals to commit crimes face aggravated penalties, as outlined in Article 35 of the 2010 Anti-Narcotics Law. Moreover, legal provisions concerning offenses such as defamation, economic exploitation, and child abuse demonstrate the legislature's commitment to preventing victimization through stringent legal deterrents (Mohagheq Damad, 2021; Mohammadi, 2005). Despite these advancements, some scholars argue that the burden of legal costs imposed on victims contradicts the principles of procedural fairness and state responsibility. The imposition of financial obligations on victims, which hinders access to justice, conflicts with established victimological theories that emphasize state responsibility in ensuring victim restitution and support (Mossadegh, 2021; Mousavi Fard et al., 2022).

One of the most notable developments in Iranian criminal policy has been the formal recognition of non-governmental organizations (NGOs) in victim support mechanisms. Article 66 of the 2014 Criminal Procedure Code permits NGOs with mandates related to child protection, women's rights, environmental advocacy, and civil liberties to report crimes and participate in judicial proceedings. The recognition of NGOs as stakeholders in the justice process highlights the shift toward participatory criminal policy, fostering broader social engagement in victim advocacy. However, existing limitations—such as the absence of standardized evaluation criteria for NGOs, judicial reluctance to incorporate their findings, and the lack of institutionalized collaboration between NGOs and the media—have hindered the full realization of this policy (Shukrian Kokunde & Qudsi, 2021). Addressing these challenges requires structural reforms to integrate civil society organizations more effectively into the legal framework. Furthermore, the role of law enforcement agencies in victim support has become increasingly prominent, necessitating a shift from punitive policing strategies to community-based policing. Law enforcement's ability to implement restorative justice programs depends on fostering trust among victims, adopting dignity-centered policing practices, and promoting crime prevention initiatives. By shifting toward a community-oriented policing model, law enforcement agencies can contribute to victim protection while reinforcing the principles of restorative justice (Moghdisi et al., 2017).

In conclusion, victim-centered criminal policy in Iran has undergone significant transformation, integrating restorative justice principles and enhancing legal protections for victims. Legislative reforms have expanded victim rights, facilitated victim participation in criminal proceedings, and strengthened legal safeguards against secondary victimization. The increasing role of civil society in victim advocacy and the institutionalization of alternative dispute resolution mechanisms demonstrate the evolving nature of victim-centered criminal justice. Despite these advancements, challenges remain in the implementation and enforcement of victim rights, necessitating ongoing

legal and institutional reforms. As the criminal justice system continues to evolve, the integration of comprehensive victim support structures will be essential in ensuring equitable and rehabilitative justice outcomes.

References

- Abdian, M. R., & Elham, G. M. (2023). Feasibility of criminal regulation in punishments from the perspective of Imami jurisprudence. *Journal of Social Jurisprudence*, 11(2).
- Abu Zari, M., & Sahrai, S. (2021). Crimes without victims in the idea of neutrality. *Islamic human rights studies*, 10(2).
- Afzali, C., Abbas, Z., & Mohsen, S. (2021). Model of mediation in victim-offender-centered legal system in Iran and Islam. *Studies in Islamic Jurisprudence and Law*.
- Aghaei, M. (2021). Analyzing criminal anthropology from the point of view of early criminality in punishment of retribution based on the thoughts of Imam Khomeini. *Matin research paper*, 23(91).
- Aghai, M. (2018). *Criminology in the light of Imami jurisprudence*. Tehran: Ava book.
- Ahmadi, A. (2021). The rights of the victim in jurisprudence and criminal procedure law. *Comparative Penal Jurisprudence Quarterly*, 1(3).
- Akhtar, A., & Mozenzadegan, H. A. (2019). The position of the victim's rights in the preliminary investigation stage from the perspective of the Iranian Criminal Procedure Law. *Criminal Law Research Quarterly*, 7(26).
- Bagheri, N., Azimzadeh, S., Mehra, N., & Mahdavi Thabit, M. A. (2023). The necessity of maximum support for sexual victims under 18 years of age and the challenges related to it with an emphasis on the Law on Protection of Children and Adolescents approved in 2019. *Research Journal Criminal Law and Criminology*, 11(21).
- Barzegarzadeh, A. H., Amininia, A., & Shekarchizadeh, M. (2015). Rights of litigants in the International Criminal Court and Islam. *Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law*.
- Danesh Ara, S., & Kazemi, S. S. (2022). Transformation of criminal law in balancing tradition and modernity; With an emphasis on Iran's criminal law. *Scientific Journal of Legal Studies*, 14(4).
- Davari, M. (2019). Legal and judicial challenges of the human dignity of victims in criminal proceedings. *Scientific Journal of Human Rights and Citizenship*, 4(1 (series 7)).
- Ehsanpour, S. R., & Haqiqi, N. (2021). Recognizing the criminal policy of the victim in crimes against chastity. *Legal Thought Quarterly*, 1(4).
- Fallahi, Y., Mohammadi, S., & Jafari, M. J. (2019). Feedback of secondary criminology approaches in Iran's penal system. *Scientific Quarterly of Political Sociology of Iran*, 2(4 (consecutive 8)).
- Farahmand, M. (2017). *Effects of restorative justice in Iranian criminal law*. Tehran: Mizan publishing house.
- Gholami, H. (2019). *Adalat Menasami*. Tehran: Samat, Human Sciences Research and Development Institute.
- Gol Sanam Lo, Z. a.-A., Wakilzadeh, R., & Ranjbar, R. (2023). The role of the principles governing the criminal policy of Imamiyyah jurisprudence in reducing crimes and stability of national security. *Imamiyya Journal of Research*, 9(17).
- Gurji, A. (1994). *Legal Articles* (Vol. 1). Tehran: Tehran University Press.
- Haji Dehabadi, M. A., & Baharloui, R. (2015). General measures to prevent victimization from the perspective of the Quran and Islamic traditions. *Two scientific-research quarterly journals of the Quran, Islamic jurisprudence and law*, 2(2).
- Haji Dehabadi, M. A., & Mahshid, Y. (2016). Effects of the protective approach towards ordinary victims in the Islamic Penal Code of 2013. *Shabak Monthly*, 1, 55.
- Hakimiha, S., & Koulai, M. A. (2022). Rationalistic criminology based on philosophical teachings, jurisprudence teachings and criminal law. 1.
- Hosseini, S. M., & Rostami Ghazani, O. (2017). Legal, Philosophical, Political and Sociological Aspects of Punishment. *Criminal Law Research Quarterly*, 9(1).
- Jafari, I., Haji Tabar Firouz Jai, H., & Ismaili, M. (2022). Minimal penal policy in Imami jurisprudence (with a look at Iranian law). *Journal of Islamic Jurisprudence and Law Research*, 18(69).
- Jazayeri, A. (2014). *Judicial security in Iranian criminal law and the practice of the European Court of Human Rights*. Tehran: Saman Danesh.
- Jazayeri, S. A. (2021). Application of rationality and expediency in Iranian criminal law and Imami jurisprudence. *Comparative Penal Jurisprudence Quarterly*, 1(2).
- Karbas Farush, Q., & Asadi, H. (2021). The rights of the victim from the point of view of jurisprudence and criminal procedure approved in 2012 and the statute of the International Criminal Court. *Quarterly Journal of Interdisciplinary Fiqh Studies*, 1(4 (consecutive 4)).
- Katouzian, N. (2004). *Non-contractual obligations (compulsory guarantee): civil responsibility* (Vol. 1). Tehran: Tehran University Press.
- Kazemi, S. S., & Chegini, H. (2021). Challenges of criminal prosecution in the light of changes in legal entities. *Criminal law doctrines*, 18(22).

- Mahmoudi, A. R., Miri Balajurshari, S. M., & Qavamipour Sareshe, M. (2022). The rights of victims in the crimes of criminals with political immunity. *Journal of Research and Studies of Islamic Sciences*, 4(37).
- Mir Kamali, S. A., & Sarvi Sarimidani, O. (2021). The role of non-governmental organizations in supporting victims with an emphasis on victimized children. *Judicial Law Perspectives Quarterly*, 26(95).
- Mir Khalili, S. M. (2017). Man from the perspective of Islamic criminal policy and schools of criminology. *Basic Research Quarterly of Humanities*, 4(1 (consecutive 10)).
- Mirkamali, A., & Hajizadeh, N. (2019). Government's support to the victims in the field of providing legal fees. *Judicial Law Journal*, 83(105).
- Moghdisi, M. B., Mirzaei, M., & Ghani, K. (2017). Police rehabilitation programs based on the law of criminal procedure and the practical procedure of the Iranian police. *Bi-quarterly journal of criminal law research*, 9(1).
- Mohagheq Damad, S. M. (2021). *Rules of Jurisprudence of the Criminal Division*. Tehran: Islamic Sciences Publishing Center.
- Mohammadi, A. (2005). *Rules of Jurisprudence*. Tehran: Mizan Publishers.
- Mossadegh, M. (2021). *Explanation of the Law on Reducing Ta'ziri Imprisonment*. Tehran: Jungle Publications.
- Mousavi Fard, S. M. R., Shamsizad, Z., Norouzian, H., & Mansouri, P. (2022). A comparative study of the necessity of expedient jurisprudential convergence of corporal punishments in the criminal law of Iran and other Islamic countries with international law. *Scientific Quarterly of Comparative Studies of the Laws of Islamic Countries*, 1(1).
- Najafi Abrandabadi, A. H., & Hamid, H. B. (2016). *Encyclopedia of Criminology*. Tehran: Ganj Danesh Publications.
- Nobahar, R. (2017). The feasibility of jurisprudential assessment of corporal punishments. *Qawshi Dar Fiqh Quarterly*, 24(2).
- Omid Zanjani, A. A. (2008). *Principles of Jurisprudence, Criminal Law Department*. Tehran: Institute of Islamic Studies and Research.
- Parvizi, S., & Davarnia, R. (2019). Protection of the indirect victim in intentional murder in Iran and international documents. *Criminal Law Research Quarterly*, 9(32).
- Rahami, M. (2006). Restorative Justice Fields in Iranian Criminal Law. *Law and Political Science Faculty Journal*.
- Rahiminejad, E. (2017). Reflection of the teachings of scientific pedagogy in the legal criminal policy of Iran. *Islamic Law*, 15(59).
- Raijian Moal, M. (2018). *Victimology: A Lesson in Compiled Speeches*. Tehran: Shahrdanesh Institute of Legal Studies and Researches.
- Research Department of Law. (2015). *Rules of Criminal Jurisprudence*. Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences Publications.
- Saqian, M. M., Ebrahimi, S., & Piriaei, M. (2021). Special Victims' Rights in Criminal Procedure Law 2013. *Judicial Law Perspectives Quarterly*, 26(93).
- Sayadi, M. (2018). *The collection of handwritten laws of the Islamic Penal Code approved on 1/2/2013*. Tehran: Khamq Azmoun Publications.
- Scholar, W., Mehdi, M., & Firouz, M. J. (2016). Criminalization of Quran and Rationality. *Jurisprudential Foundations of Islamic Law*.
- Shambati, H., & Parvini, A. (2015). The function of consensual justice in criminal policy. *Iranian Journal of Legal Medicine*, 21(2).
- Shiri, A. (2018). The right of the victim in determining the punishment and how to implement it. *Judicial Law Perspectives Quarterly*.
- Shukrian Kokunde, K., & Qudsi, S. E. (2021). NGOs as the voice of vulnerable victims; a look at the approach of the Criminal Procedure Law 2013. *Volume 13*(2).
- Tahidi, A., & Hosseini, F. A.-S. (2016). A reflection on the philosophy of punishment in the purposes of Sharia. National conference of modern researches of Iran and the world in psychology, educational sciences and social studies.
- Toloi Moghadam, A. (2015). *Research on the protection of victims in the penal laws after the revolution in the field of crimes against security*. Tehran: Negah publishing house.